

پنج ابوالحسن نقاش در یک قرن

احمد سهیلی خوانساری

ابوالحسن اول

ابوالحسن نخست در پی فراگرفتن و کسب هنر نقاشی بوده، به توصیه میرزا محمد بروجردی که در آن عهد منصب استیفای دیوان شاه را داشت بکسب علم سیاق و انشاء پرداخت و در دستگاه علیمرادخان زند مستوفی وارد شد و بهمین واسطه به مستوفی اشتهار یافته، بعد از زوال این سلسله در دستگاه قاجاریه راه جست.

ابوالحسن در نقاشی تفنن داشته، اینکار پیشه وی نبوده، بر اساس ذوق بدین هنر دست یازیده است و اکثر کارهای او کپی از تابلوهای مشهور نقاشان رومی و زنان لخت بوده، گاه از روی طبیعت پرده‌هایی بوجود آورده است.

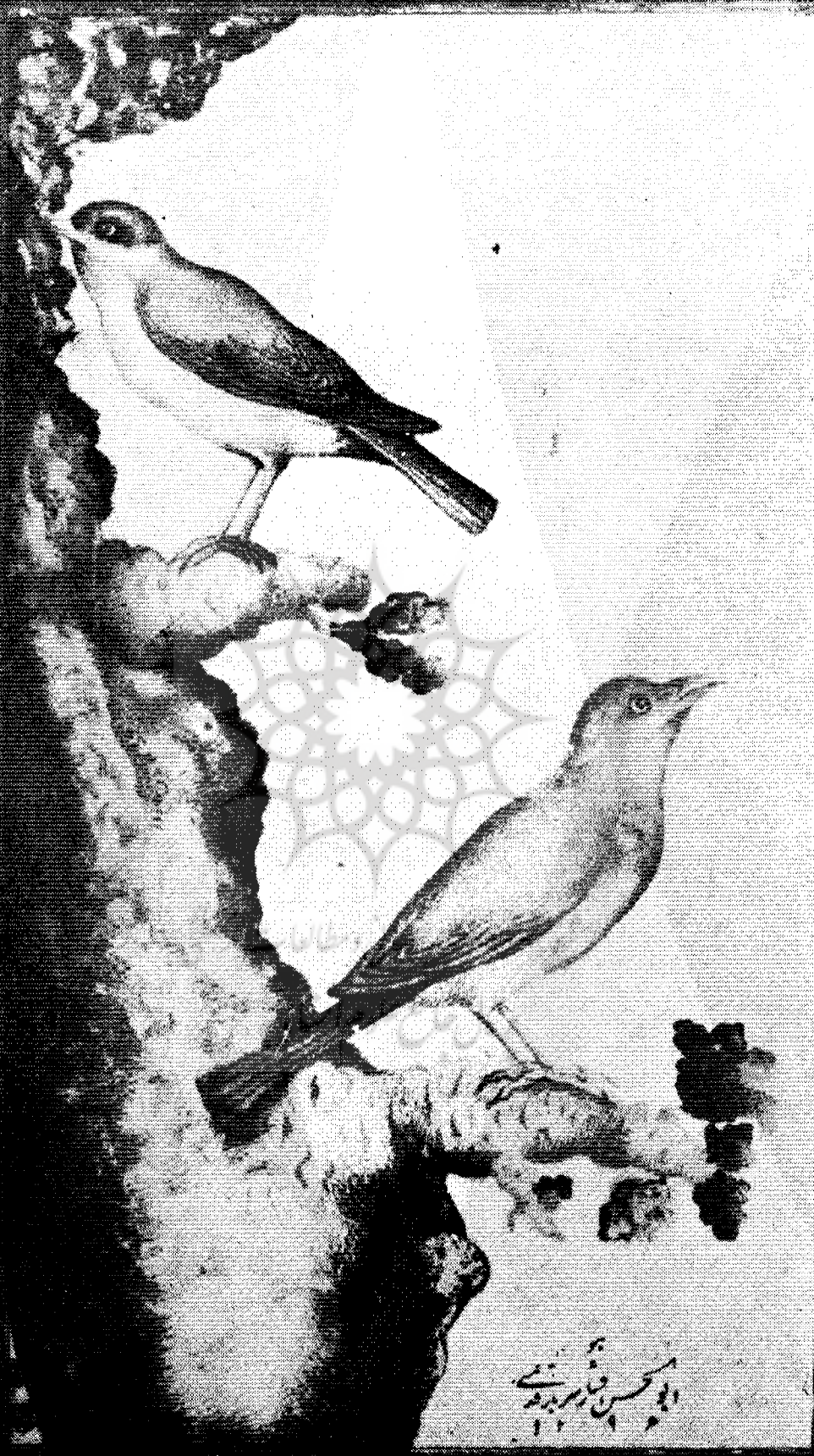
وی تاریخی دارد بنام گلشن مراد که شامل حوادث بعد از نادرشاه و دوران سلاطین زند می‌باشد این تاریخ که بنام علیمرادخان زند تألیف شده به نثری مصنوع است و حکایت از فضل و دانش مصتف مینماید. قسمتی از این کتاب را ابوالحسن و قسمتی دیگر را محمد باقر غفاری پسروی به رشته تحریر در آورده است. ابوالحسن با استعدادی خاص در دبیری و منشی‌گری، در سلک مستوفیان دربار کریم‌خان و علیمرادخان و بنا به ذوق فطری در نقاشی استاد گردیده بود. در آغاز جوانی چنانکه خود نوشته است، ده سال در پی فراگرفتن رموز نقاشی سعی و کوشش داشته،

حکومت و فرمانروائی شاهزادگان قاجاری در شهرها و تشکیل دربارهای کوچک و رقابت و چشم‌هم‌چشمی بایکدیگر بازار هنرهای تزئینی را در قرن ۱۳ رواجی شایسته داد و بهمین سبب نقاشی در کاخها و کتاب‌ها بجهت رونق فراوان مکتب خاص یافت و این هنر، خریدار بسیار پیدا کرد از این روی صاحبان ذوق بیشتر در پی فراگرفتن رموز این هنر بودند. قرن سیزدهم را باید دوران اعتلای هنرهای تزئینی دانست و از این زمان نسبتاً آثار بیشماری برای ما بیادگار مانده است. در میان نقاشان استاد که در این قرن زیاد بوده‌اند ابوالحسن‌ها نقشی چشم‌گیر داشته، تاریخ نقاشی را در این قرن آراسته‌اند.

نخستین، ابوالحسن، ابوالحسن غفاری مستوفی کاشانست. او پسر معزالدین محمد غفاری مستوفی می‌باشد که از ارباب قلم کاشان بوده است، معزالدین محمد در سال ۱۱۶۲ بفرمان کریم‌خان زند حاکم کاشان و نظیر و جوشقان گردید، اجداد وی همواره در شمار بزرگان این شهر بوده‌اند. نسبت ابوالحسن بچند واسطه به ابی‌ذرغفاری می‌پیوندد و این خاندان که امروز به غفاری مشهورند و کاشانی‌الاصل هستند. (غفاری به کسر غین و بدون تشدید می‌باشد.)



كار ابو الحسن غفارى (صنيع الملك)



ابوالحسن دوم

ابوالحسن دوم اصفهانیست و پیشه‌اش نقاشی بوده، در صورت‌سازی سبکی شیرین و قلمی نمکین داشته‌است. اجمالا میدانیم او اواسط عهد فتحعلی‌شاه (۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ هـ) و زمان

آنگاه در پی کسب دانش دبیری شده، درسك دبیران و منشیان دربار درآمده، لکن تا پایان عمر دست از نقاشی باز نداشته‌است. او بقرائنی تا اواخر سال ۱۲۰۶ و اوایل ۱۲۰۷ در قید حیات بوده، تاریخ خود را هم تا همین سنوات نگاشته، پسرش محمدباقر کتاب را تا سال ۱۲۱۰ بیابان برده‌است.

تصویر حسینعلی شاه - کار ابوالحسن اصفهانی



محمدشاه (۱۲۵۰ - ۱۲۶۶ هـ) را دریافته است. درگذشت او را از این جهان نیز نمیدانیم. آنچه از کارهای او دیده شده تصویر مشاهیر و بزرگان، با آب رنگ بوده است.

ابوالحسن سوم

ابوالحسن سوم ، ابوالحسن غفاری که بعد ملقب بصنیع الملک شده ، میباشد. وی فرزند میرزا محمد و برادر میرزا بزرگ نقاش پدر کمال الملک است. این ابوالحسن از نوابغ عصر ناصری و بنا بمدارکی که در دست داریم مقارن سال ۱۲۳۲ در کاشان ولادت یافته، در آغاز جوانی به تهران آمده، پس از فراگرفتن رموز و مقدمات هنر نقاشی بحکم وراثت در اینکار با استعدادی کم نظیر پای بمیدان نقاشی و صورتگری گذاشته، در زمان محمدشاه او را به استادی پذیرفته اند و چون نبوغ او زبانزد همه بوده در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه جهت تکمیل این هنر وی را به رم روانه ساخته اند او ، پس از تکمیل هنرش به ایران مراجعت کرده، مورد توجه شاه جوان ، ناصرالدینشاه که خود به نقاشی عشق فراوان داشت قرار گرفت. هنر او توجه اعیان و اشراف را جلب کرده و با عنایت شاه ، مدرسه و نمایشگاه نقاشی مفتوح ساخت و در وزارت انطباعات آن عهد مشیر و مشار کارهای هنری و چاپ گردید . تصاویر روزنامه ملتی و دولت علیّه و مجلس سلام ناصرالدین شاه در نظامیه - که بعد محل لقائش شد - از شاهکاهای اوست.

ابوالحسن در سال ۱۲۷۸ ملقب بصنیع الملک گردید و در دوران بیست ساله آغاز سلطنت ناصرالدین شاه، ترقی بسیار کرده، مشمول لطف و مهر شاه گردید . شاگردان زیاد تربیت نمود که عباس شیرازی، نقاش مشهور، یکی از آنهاست. صنیع الملک در سال ۱۲۸۲ در پنجاه سالگی از اینجهان درگذشته است.

ابوالحسن چهارم

ابوالحسن افشار ارموی میباشد که در نقاشی گل و بوته و پرنده ثانی شفیع عباسی بوده است ابوالحسن پسر اللهوردی نقاش است و بنا بقول اعتمادالسلطنه، علی اشرف نقاش مشهور عهد نادرشاه و کریم خان زند عم او بود. علی اشرف استاد آقازمان،

آقاصادق، آقانجف و آقا باقر میباشد.

ابوالحسن افشار به لال معروف بوده، اعتمادالسلطنه در شأن او نوشته است در صنعت نقاشی و گل و بوته سازی و رنگ آمیزی، مابین قلمدانها و جلد های کار او و عمش علی اشرف نقاش افشار مشهور، تمیزی ممکن نبود مگر آنکه ارقام از صاحب صنعت اعلام میگردید. عزیزخان سردار از کارهای او بسیار بر سیل هدیه برای اعیان و اشراف به تهران فرستاد. قلمدان او هم در حیات خودش تا پنجاه تومان خرید و فروش بهمرسانید تقریباً در اواسط این سنین اربعین وفات یافت یعنی سال چهارم سلطنت ناصرالدین شاه که ۱۳۰۴ میشود.

علی اشرف نقاش مشهور تا حدود سنه ۱۱۸۰ در قید حیات بوده، اگر فرض کنیم اللهوردی نقاش برادر کوچکتر از علی اشرف بوده و بیست سال بعد از علی اشرف از اینجهان رفته باشد و ابوالحسن در اواسط یا اواخر عمر اللهوردی متولد شده باشد باز قبول اینکه علی اشرف عم وی بوده مشکل است مگر آنکه بگوئیم علی اشرف عم اللهوردی بوده ، بدین اعتبار اعتمادالسلطنه عم ابوالحسن خوانده است. بهر صورت ابوالحسن افشار از استادان مشهور قرن ۱۳ میباشد که آثارش درخور توجه بسیار است .

ابوالحسن پنجم

ابوالحسن پنجم که خود در زیر تابلوهای خویش ابوالحسن ثالث رقم نموده است فرزند مرحوم صنیع الملک بوده، او را نخست یحیی میخوانده اند. بعد از مرگ پدر او خود را ابوالحسن خوانده، شاید خوسته است در پرتو اشتهار این نام شهرتی فراهم سازد ولی هر چند در نقاشی کوشیده، چون استعداد چندانی نداشته در ردیف نامداران این هنر در نیامده است. ابوالحسن ثالث بدین جهت خود را ثالث خوانده که در خاندان غفاری سومین ابوالحسن بوده است. وی در دورنما سازی و رنگ روغن از خود آثاری بجا گذاشته که درخور تحسین نیست . او تا زمان مظفرالدین شاه (۱۳۱۴ - ۱۳۲۴ هـ) میزیسته، خود کشی میرزا ابوتراب خان برادر کمال الملک در خانه او بوده است . او در نجات وی مخصوصاً اهمال کرده، تا ابوتراب خان بمیرد. شاید عناد و دشمنی از حسادت همکاری سبب بوده است.